

پاسخ استاد علی اکبر دهخدا، به دعوت رییس اداره اطلاعات سفارت آمریکا برای مصاحبه با رادیو صدای آمریکا  
مصاحبه با رادیو صدای آمریکا

منبع: دفتر شورای نویسندگان و هنرمندان ایران  
(آرشیو: دنیای ما)

پاسخ استاد علی اکبر دهخدا

به دعوت رییس اداره اطلاعات سفارت آمریکا

برای مصاحبه با رادیو صدای آمریکا

دیماه 1332 19  
خیابان ایرانشهر، فیشرآباد، تهران

آقای محترم- صدای آمریکا در نظر دارد برنامه ای از زندگانی دانشمندان و سخنوران ایرانی، در بخش فارسی صدای آمریکا از نیویورک پخش نماید. این اداره جنابعالی را نیز برای معرفی به شنوندگان ایرانی برگزیده است. در صورتی که موافقت فرمایید، ممکن است کتباً یا شفاهاً نظر خودتان را اطلاع فرمایید تا برای مصاحبه با شما ترتیب لازم اتخاذگردد. ضمناً در نظر است که علاوه بر ذکر زندگانی و سوابق ادبی سرکار، قطعه ای نیز از جدیدترین آثار منظوم یا منثور شما پخش گردد. بدیهی است صدای آمریکا ترجیح می دهد که قطعه انتخابی سرکار، جدید و قبلاً در مطبوعات ایران درج نگردیده باشد. چنانچه خودتان نیز برای تهیه این برنامه جالب، نظری داشته باشید، از پیشنهاد سرکار حُسن استقبال به عمل خواهد آمد.

با تقدیم احترامات فائقه  
سی. ادوارد. ولز  
رئیس اداره اطلاعات سفارت کبرای آمریکا

\*\*\*\*\*

جناب آقای سی. ادوارد. ولز،

رئیس اداره اطلاعات سفارت کبرای آمریکا

نامه مورخه 19 دیماه 1332 جنابعالی رسید و از اینکه این ناچیز را لایق شمرده اید که در بخش فارسی صدای آمریکا از نیویورک، شرح حال مرا انتشار دهید متشکرم.

شرح حال من و امثال مرا در جراید ایران و رادیوهای ایران و بعضی از دول خارجه، مکرر گفته اند. اگر به انگلیسی این کار می شد، تا حدی مفید بود؛ برای اینکه ممالک متحده آمریکا، عده ای از مردم ایران را بشناسند. ولی به فارسی، تکرار مکررات خواهد بود، و به عقیده من نتیجه ندارد.

و چون اجازه داده اید که نظریات خود را در این باره بگویم و اگر خوب بود، حسن استقبال خواهید کرد، این است که زحمت می دهم: بهتر این است که اداره اطلاعات سفارت کبرای آمریکا به زبان انگلیسی، اشخاصی را که لایق می داند، معرفی کند و بهتر از آن این است که در صدای آمریکا به زبان انگلیسی برای مردم ممالک متحده شرح داده شود که در آسیا مملکتی به اسم ایران هست که خانه های قراء و قصبیات آنجا، در و صندوقهای آنها قفل ندارد، و در آن خانه ها و صندوقها طلا و جواهرات هم هست، و هر صبح مردم قریه، از زن و مرد به صحرا می روند و مشغول زراعت می شوند، و هیچ وقت نشده است وقتی که به خانه برگردند، چیزی از اموال آنان به سرقت رفته باشد.

یا یک شتردار ایرانی که دو شتر دارد و جای او معلوم نیست که در کدام قسمت مملکت است، به بازار ایران می آید و در ازای «پنج دلار» دو بار زعفران یا ابریشم برای صد فرسخ راه حمل می کند و نصف کرایه را در مبداء و نصف دیگر آن را در مقصد دریافت می دارد، و همیشه این نوع مال التجاره ها سالم به مقصد می رسد.

و نیز دو تاجر ایرانی، صبح شفاهاً با یکدیگر معامله می کنند و در حدود چند میلیون، و عصر خریدار که هنوز نه پول داده است و نه مبیع آن را گرفته است، چند صد هزار تومان ضرر می کند، معهذا هیچ وقت آن معامله را فسخ نمی کند و آن ضرر را متحمل می شود.

اینهاست که از این گوشه آسیا شما می تواند به ملت خودتان اطلاعات بدهید، تا آنها بدانند در اینجا به طوری که انگلیسی ها ایران را معرفی کرده اند، یک مشت آدمخوار زندگی نمی کنند، و از طرف دیگر به فارسی، به عقیده من خوب است که در صدای آمریکا، طرز آزادی ممالک متحده آمریکا را در جنگ های استقلال، به ایرانیان بیاموزید و بگویید که چگونه توانسته اید از دست استعمار خلاص شوید؟ و تشویق کنید که واشنگتن ها و فرانکلن ها در ایران، برای حفظ استقلال از همان طرق بروند. در خاتمه با تشکر از لطف شما احترامات خود را تقدیم می دارد.